



به قول معروف

ابوالفضل علی دوست ابرقویی



«دوری و دوستی»

ضرب المثل این شماره را بارها به کار برده ایم. مبنای آن نیز روشن است، هرچه ارتباط فامیلی بیشتر باشد، کم کم اختلاف بیشتر می شود و باعث بروز دشمنی و کینه و کدورت می گردد. شاید کسانی که این منطق را باور دارند ضرب المثل های مترادف با ضرب المثل مورد بحث را ساخته و پرداخته و وارد گنجینه ضرب المثل ها کرده باشند؛ ضرب المثل هایی مانند: «دور باشیم، دوست باشیم»؛ «با اهل زمانه صحبت از دور، نکوست»؛

«با مردم زمانه سلامی و والسلام»

تا گفته ای غلام توأم می فروشدت»^(۱) در نگاه اول ضرب المثل مورد اشاره و ضرب المثل های مترادف درست به نظر می رسند؛ مثلاً هرگاه دو دوست یا دو خانواده هر هفته یک بار همدیگر را ملاقات کنند و مهمانی بدهند؛ در سال پنجاه مورد ارتباط صورت می گیرد؛ اگر در ده درصد از این روابط مسأله ای اختلاف برانگیز بروز کند، در یک سال با پنج مورد اختلاف رو به رو هستند که این تعداد برای قطع ارتباط کافی به نظر می رسد؛ اما اگر این ارتباط به جای هفته ای یک بار به سه ماه یک بار تغییر کند؛ میزان بروز مسایلی اختلاف انگیز به چیزی نزدیک صفر خواهد رسید. اصولاً دیدارهای دیر به دیر زمینه ساز اشتیاق و دوستی است و این نکته، حائل و مانعی برای بروز دشمنی و کدورت و قطع ارتباط خواهد بود.

گذشته از نکته ای که گفته شد، جای این سؤال باقی است که آیا نفس ارتباطها اختلاف انگیز است، به طوری که هرچه روابط محدودتر شود، دوستیها مستحکم تر می گردد، یا این که اصل ارتباطها دشمنی را نیست؟ آیا عواملی مانند خودخواهی، منفعت طلبی، توقعات بالا، انتظارات بی مورد، چشم هم چشمی ها، حسادت ها و پدیده هایی از این دست، روابط را به سمت سردی سوق می دهد و در نتیجه این ضرب المثل محمل پذیرش پیدا می کند که: «دوری و دوستی»؟

کدام رابطه؟

به نظر می رسد نقش ارتباط را نمی توان عامل مستقل اختلافات دانست، باید گفت برخی از حواشی ارتباطهاست که دوستیها را به بن بست می کشاند. در این حالت افراد ترجیح می دهند هنگامی که در این بن بست گرفتار می شوند به جای اصلاح رابطه به قطع آن مبادرت ورزند.

این نکته بر دو دلیل مبتنی است:

اول: چه بسا برای خودما هم پیش آمده باشد که با کسی دوست صمیمی و نزدیک هستیم؛ اما بنا به پیشامدهایی مثل انتقال دوستان به شهر دیگر به مرور زمان التهاب اولیه فرو می نشیند و بعد از



برای غذا ذبح کنند، هرکس مسؤولیت بخشی از کار را پذیرفت. از جمله رسول خدا (ﷺ) که جمع آوری هیزم را برعهده گرفت، و با وجود مخالفت دیگران مبنی بر اینکه آن حضرت زحمت نکشند و استراحت فرمایند؛ وظیفه‌ای را که برای خود پذیرفته بود، انجام داد.

همچنین نقل می‌کنند که رسول خدا (ﷺ) روزی با یکی از اصحاب به نام «حذیفه» کنار چاه آبی آمدند. آن صحابی پارچه‌ای گرفت تا رسول خدا (ﷺ) غسل کند. پس از اتمام کار، رسول خدا (ﷺ) پارچه را گرفت و او غسل کرد. با این کار همان خدمت را برای آن مسلمان انجام داد. و سپس فرمود: «محبوب‌ترین رفیق آن است که رفاقت خود را به طور کامل انجام بدهد.»

چهارم: درشت کردن نقطه ضعف‌ها و پرهیز از عفو و چشم‌پوشی از جمله عواملی است که پایه‌های دوستی را می‌لغزانند.

رسول خدا (ﷺ) فرمود: «بر شما باد به عفو؛ که جز بر عزت انسان نمی‌افزاید؛ پس عفو کنید تا خداوند شما را سربلند گرداند.» در زندگی ائمه اطهار (علیهم‌السلام) به این ویژگی انسان توجه شده است.

از این عوامل که بگذریم؛ اصلاح رابطه با خدا و رقم زدن رابطه‌ای نیکو با پروردگار تداوم بخش دوستی‌های مؤمنان است.

این نکته را در روایتی از امام علی (علیه‌السلام) بجاوییم: حضرت فرمود: «هرکس رابطه‌اش را با خدا اصلاح کند، خداوند رابطه‌ او را با خلق اصلاح می‌کند.»^(۲)

یک مثال شرقی:

یک مثال شرقی می‌گوید: «مانند خورشید که روز به روز طلوع می‌کند، زود به زود به دیدار دوستان برویم، نه مثل هلال ماه که ماهی یک‌بار دیده می‌شود.»

روسکن می‌گوید: «کسی که دوستی را از دست داده باشد، می‌فهمد که چه نعمت بزرگی را از دست داده است»^(۳)

آری! در راهی که انسان دیر به دیر در آن برود، خار می‌روید.

دوستی‌ها را در بستر صمیمیت و مهربانی و پرهیز از خودخواهی‌ها و خود محوری‌ها و خودپسندی‌ها استمرار بخشیم و این ضرب المثل را به‌طور مطلق نپذیریم که «دوری و دوستی».

دیدار با بستگان است.

در روایات صادره از معصومین (علیهم‌السلام) دیدار از بستگان موجب عمران و آبادانی و طول عمر می‌شود؛ برعکس، قطع این ارتباط موجب وزر و وبال و کوتاهی عمر می‌گردد.

این مهم چندان مورد تأکید است که حتی سفارش شده که با بستگانی که ما را مورد بی‌مهری قرار داده و با ما قطع ارتباط کرده‌اند، رابطه برقرار کنیم.

به نقل از حضرت عیسی (علیه‌السلام) آمده است: «آیا نشنیده‌اید که در تورات به برقراری ارتباط با فامیل سفارش شده است، من به شما می‌گویم با آن‌ها که از شما جدا شده‌اند، نیز ارتباط برقرار کنید...»

پذیرش بدون قید و شرط ضرب المثل مورد بحث با این اصل اساسی اسلام یعنی صلۀ رحم نیز تعارض نشان می‌دهد.

در مجموع هرگاه از علل تضعیف دوستی‌ها پرهیز نماییم، می‌توان تداوم دوستی‌ها و ارتباط‌ها را تضمین نمود، بدون دور بودن یا محدود کردن آن.

ذیلاً برخی از این علت‌ها اشاره می‌کنیم.

اول: خودپسندی و خود محوری. کسی که این ویژگی را داشته باشد، نمی‌تواند دوستی پایداری با دیگران بنا کند.

امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «بدترین چیز از خود راضی بودن است» و نیز فرمود: «کسی که از خودش راضی باشد غضب‌کنندگان بر او زیاد می‌گردند»

دوم: دنبال عیب‌های دیگران بودن از دیگر عواملی است که دوستی‌ها را به مخاطره می‌اندازد و خوش‌گمانی موجب جلب محبت مردم است.

امام علی (علیه‌السلام) فرمود: «جست و جوی عیب‌های دیگران زشت‌ترین عیب‌ها و بدترین گناهان است»

همچنین فرمود: «کسی که به مردم خوش‌گمان است، محبت آن‌ها را به خود جلب می‌کند»

سعدی می‌گوید: «یکی از بزرگان می‌گفت پارسایی را؛ چه گویی در حق فلان عابد که دیگران در حق وی به طعنه سخن گفته‌اند؟

گفت: به ظاهرش عیب نمی‌بینم و درباطنش غیب نمی‌دانم.

هرکه را جامه پارسایی

پارسا دان و نیکمرد انگار

ور ندانی که در نهانش چیست

محاسب را درون خانه چه کار؟»^(۴)

سوم: پرتوقعی از دیگر علل و عوامل است که بنیان دوستی را متزلزل می‌سازد. متأسفانه در بسیاری از موارد این توقعات نابه‌جا حتی منطقی و بحق جلوه می‌کنند.

سیره معصومین (علیهم‌السلام) بر این بوده است که هرگز امتیاز ویژه‌ای برای خود قائل نبودند.

آورده‌اند که رسول خدا (ﷺ) با جمعی در جایی برای استراحت فرود آمدند. قرار شد گوسفندی

چندسال خاطرات آن‌همه دوستی در ذهنمان بایگانی می‌شود و از آن همه دوستی جز ردیایی در ذهن ما باقی نمی‌ماند.

اگر قرار بود دوری و دوستی به طور مطلق درست باشد؛ بایستی با ایجاد بعد مسافت، اشتیاق ما برای دوستی و ارتباط افزایش یابد؛ در حالی که چنین نیست؛ و چه زیبا گفته‌اند:

«از دل برود هر آنچه ازدیده برفت.»

دوم: بسیاری از افراد را دیده‌ایم که به دلیل رعایت معیارهای انسانی در ارتباط‌های خود دوستی آن‌ها با وجود کثرت رفت و آمد روز به روز افزایش یافته و بر عمق آن افزوده خواهد شده است.

اگر قرار بود «دوری و دوستی» به طور مطلق پذیرفتنی باشد، چنین روایتی شکل نمی‌گرفت.

نوع خاصی از ارتباط‌ها

براساس آنچه گفته شد؛ ریشه بسیاری از اختلافات و درگیری‌ها به دلیل نفس ارتباط نیست؛ بلکه این‌ها به دلیل نوع خاصی از روابط است که رنگ و لعاب خودخواهی‌ها، خودمحوری‌ها و توقعات بالا و صفاتی از این دست، آن را خدشه‌دار می‌کنند.

لذا در پذیرش ضرب المثل مورد بحث بایستی جانب احتیاط را نگه داشت.

از سوی دیگر هرگاه «دوری و دوستی» به تمامی درست پذیرفته شود و به عنوان یک فرهنگ عمومی نهادینه گردد؛ برخی از اصول اساسی روابط اجتماعی اسلام مورد تعریض قرار می‌گیرد.

از جمله این اصول می‌توان به ضرورت «جمع‌گرایی» اشاره کرد. توضیحاً این که شیوه معصومین (علیهم‌السلام) پرهیز از تک روی توصیه به حضور در اجتماع می‌باشند.

امیرمؤمنان (علیه‌السلام) به نگوشت از کسانی می‌پردازد که حالت تک‌روی دارند. حضرتش می‌فرماید: «همان‌طور که وقتی یک گوسفند از رمه باز ایستد، طعمه گرگ می‌شود؛ یک مسلمان نیز هنگامی که تک رو باشد و تحت سرپرستی امام جامعه قرار نگیرد، طعمه شیطان خواهد شد.»

اصل دیگر

صلۀ رحم و تأکید آن در اسلام موضوع آیات و روایات متعددی است که سرپیچی از آن پیامدهای ناگواری دارد.

رسول خدا (ﷺ) در ابتدای ورود خود به مدینه، دستورالعملی صادر فرمود که بخشی از آن توصیه به

پی نوشت‌ها:

۱. امثال و حکم، دهخدا.

۲. باب دوم گلستان سعدی.

۳. نهج البلاغه، کلمات قصار

۴. در آغوش خوشبختی، لرد آویوری.